خبر

راهیابی «حیات» به جشنواره ملی هکاتوم

پویانمایی کوتاه «حیات» به نویسندگی و کارگردانی متین احمدی، عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به بخش انیمیشن نهمین جشنواره ملی هکاتوم راه یافته است. این اثر با حمایت کانون تولید شده و عبدا... علیمراد به‌عنوان استاد راهنما، مرتضی احمدی به‌عنوان مدیر تولید و احمد جعفریان به‌عنوان مشاور تولید در تهیه آن همکاری داشته‌اند. حیات در اولین حضور خود موفق به کسب مدال برنز در بخش «فیلم» پنجمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران شده است. این پویانمایی پنج‌دقیقه‌ای که با تکنیک کات‌اوت ساخته شده، داستان پسربچه‌ای است که در پارک دوچرخه‌سواری می‌کند و هنگامی که برای نوشیدن آب می‌ایستد، ناگهان با یک واقعیت مواجه می‌شود ... . در جشنواره هکاتوم، که نام تاریخی شهر دامغان به‌عنوان پایتخت اشکانیان است، از میان ۱۷۴۳ اثر ارسالی، ۳۱ اثر برای داوری نهایی در بخش انیمیشن انتخاب شدند. نهمین دوره این جشنواره از ۱۲ تا ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ در دانشکده هنر دانشگاه دامغان برگزار خواهد شد و شامل بخش‌های مختلفی ازجمله انیمیشن، تیزر، موشن‌گرافیک و بخش ویژه هوش‌مصنوعی است. هدف این جشنواره توجه به دستاوردهای هنری دانشجویان و قابلیت‌های آثار دانشجویی در حوزه هنرهای دیجیتال است.

فیلمی که تاریخ را تحریف می‌کند

فیلم «۵ سپتامبر» از آن دست آثاری است که در جهت مظلوم‌نمایی صهیونیسم تولید شده است

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

فیلم «۵ سپتامبر» یکی دیگر از فیلم‌های امسال است (مانند بروتالیست، درد واقعی، پرنده سفید و ...) که در روزگار جاری برای ایجاد چهره‌ای مظلوم از اسرائیل و یهودیان صهیونیست در فصل جوایز مطرح شد. آن هم در سالی که همین اسرائیل با همدستی آمریکا و اروپا حدود ۵۰ هزار فلسطینی ازجمله ۱۸ هزار کودک را قتل‌عام کرده و با به‌راه‌انداختن نسل‌کشی در غزه، یک از فجیع‌ترین جنایات تاریخ بشریت را مرتکب شدند.

و شاید امسال بیش از همیشه، در فیلم‌های مطرح‌شده فصل جوایز (علاوه بر آثار نام برده شده) شاهد حضور اسرائیلی‌ها و یهودیان صهیونیست در جشنواره‌های سینمایی بودیم تا چهره سیاه‌شان را سفید کنند. مثلا در فیلم «امیلیا پرز»، پزشکی که عمل سرنوشت‌ساز و حیاتی را برای «مانتیاس دل‌مونته» انجام داده و او را به زن تبدیل می‌کند، یک اسرائیلی است.

در فیلم «تلماسه ۲»، اصطلاحاتی که از سوی فرقه بنی جزریت و پال آتریدیس خطاب می‌شود مانند «کویساتز هادراک» واژه‌های عبرانی هستند.

همین فیلم ۵ سپتامبر با پیروزی مارک اسپیتز (شناگر معروف آمریکایی در المپیک مونیخ) و به‌دست‌آوردن هفتمین مدال طلایش شروع شده و تاکید می‌شود که او یک یهودی است!

فیلم ۵ سپتامبر به روال آثاری از این دست، از آنچه دلیل گروگان‌گیری ورزشکاران اسرائیلی در المپیک مونیخ بود، عبور کرده و اشاره‌ای به علل آن گروگان‌گیری ندارد، مانند: قتل‌عام در دو روستای فلسطین که تنها چندی قبل از این گروگان‌گیری انجام گرفت و به‌اسارت‌گرفتن صدها زن و مرد و کودک فلسطینی منجر شد. یعنی به قول آمریکایی‌ها فیلم، از پله دوم، روایت خود را آغاز می‌کند و البته در همان پله مانده و به پله سوم نمی‌رود که پس از آن واقعه اسرائیلی‌ها با طرح نخست‌وزیرشان گلدا مه‌یر، چه تروریسم دولتی‌ای در دنیا به‌راه‌انداختند. آنچه تا حدودی استیون اسپیلبرگ در سال ۲۰۰۵ و در فیلم «مونیخ» به تصویر کشید.

> در فیلم ۵ سپتامبر تماشاگر در اتاق‌های استودیوی ABC در مونیخ حبس می‌شود و همه اتفاقات را از زبان خبرنگاران و مجری برنامه مرور می‌کند

همه چیز از یک استودیو روایت شده

فیلم ۵ سپتامبر، ساخته فیلمساز جوان سوئیسی، تیم فلباوم، است که به ماجرای گروگان‌گیری ورزشکاران اسرائیلی طی بازی‌های المپیک ۱۹۷۲ مونیخ می‌پردازد. یک فیلم داستانی مستند و پرکشش و جمع‌وجور که بدون زیاده‌گویی طی ۹۴ دقیقه و تنها از زاویه‌دید یک شبکه تلویزیونی آمریکایی ABC همه ماجرا را روایت می‌کند. علی‌رغم این‌که از جریان گروگان‌گیری در المپیک مونیخ، فیلم‌ها و تصاویر و اسناد بسیار زیادی برجای مانده و اصل واقعه از لحظه گروگان‌گیری و طراحی نقشه آن تا مذاکرات و سپس انتقال به فرودگاه و به‌خصوص درگیری پایانی در فرودگاه، همه آنها با جزئیات روایت شده که بسیار هم دراماتیک و سینمایی هستند.

اما فیلمساز به‌جای پرداختی حادثه‌ای و پرافت‌وخیز با صحنه‌های درگیری، تیراندازی و ... که می‌توانست بسیار جذاب و تماشاگرپسند باشد، خود را به زاویه‌دید اتاق فرمان و پخش شبکه ABC در مونیخ محدود کرده و از دل ردوبدل شدن خبرها و گزارش‌ها در کشاکش ماجرای گروگان‌گیری با حرکات مقطع دوربین، اندازه نماهای متغیر، ریتم بالای تدوین و رفت‌وآمد مداوم تصویری مابین صحنه‌های مستند و بازسازی‌شده (که تشخیص آنها از همدیگر دشوار است) تعلیق و ضرباهنگ نفس‌گیری به‌وجودآورده که از صحنه‌های درگیری مستقیم تاثیرگذارتر به نظر می‌رسد تا سکانس پایانی که برای القای سنگینی فضای کشته‌شدن گروگان‌ها، گویی دوربین و تدوین از نفس می‌افتند و آرام می‌گیرند.

شاید چنین مانور و جولان دوربین در میان انبوه اخبار و گزارش‌های خبری و ژورنالیستی (البته از نوع مکتوب) را در فیلم‌هایی مانند «همه مردان رئیس‌جمهور» (آلن جی پاکولا) یا «پست» (استیون اسپیلبرگ) و یا «Spotlight» (تام مک‌کارتی) به خاطر داشته باشیم که همه آنها نیز از ماجراهای واقعی گرفته شده بودند با این تفاوت که دوربین فیلم ۵ سپتامبر از استودیوهای شبکه ABC بیرون نرفته (حتی اعزام ۳ ـ ۲ نفر از خبرنگاران شبکه به فرودگاه مونیخ برای کسب خبر از گروگان‌ها را از طریق فیلمی که برداشته شده و به استودیو می‌رسد، مشاهده می‌کنیم) مانند فیلم «خاطرات آن فرانک» (جورج استیونس) که دوربین، مخاطب را در زیرشیروانی خانه‌ای در آمستردام محبوس می‌کرد تا همه اطلاعات بیرونی‌اش را تنها از خبرهای صاحبخانه و رادیو و پنجره‌های آن خانه بگیرد.

در فیلم ۵ سپتامبر هم تماشاگر در اتاق‌های استودیوی ABC در مونیخ حبس می‌شود و همه اتفاقات را از زبان خبرنگاران و مجری برنامه و سردبیران و مدیر استودیو بعلاوه فیلم‌های مستندی که از طریق دوربین‌های همین شبکه ضبط شده، مرور می‌کند.

فیلمسازان ما یاد بگیرند!

خاطرم هست برای فیلمنامه ۱۹۶۸ (که در ابتدا «هیولا را بکش» نام داشت) و در همین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد، با عوامل فیلم جلسه‌ای داشتم تا اصلاحات مورد نظر شورای پروانه ساخت را برای‌شان توضیح دهم. اصلاحاتی که بیشتر غلط‌های تاریخی بود، مثلا: در ابتدای فیلمنامه که به سال ۱۳۴۳ ارجاع می‌داد، شخصیت‌های اصلی داستان، از امام در نجف فتوای مبارزه مسلحانه می‌گرفتند! برای آنها توضیح دادم که اولا در سال ۱۳۴۳ امام(ره) در نجف نبوده و در ترکیه تبعید بودند و ثانیا، ایشان هرگز با مبارزه مسلحانه موافقتی نداشته و هیچ‌گاه چنان فتوایی صادر نکردند.

کلیت فیلمنامه هیولا را بکش (۱۹۶۸) درباره گروگان‌گیری ورزشکاران اسرائیلی توسط یک گروه مبارز پیرو امام بود که در اردیبهشت سال ۱۳۴۷ برای برگزاری فینال جام ملت‌های آسیا به ایران آمدند. بعلاوه خیال‌پردازی‌های دیگری مانند این‌که یک گروه مسلح دیگر به فرماندهی محمد بروجردی، رستوران هتل اینترکنتیننتال تهران، محل اقامت مستشاران آمریکایی را در همان سال منفجر می‌کرد و ....

برای‌شان توضیح دادم که اولا در آن سال‌ها هتل اینترکنتیننتال وجود نداشت و هتل مذکور برای جشن‌های منحوس شاهنشاهی ساخته شد. ثانیا، محمد بروجردی در سالی که این قصه روایت می‌شود، تنها ۹ سال داشت. ثالثا، گروه وابسته به او یعنی گروه توحیدی صف، رستوران خوانسالار (و نه هتل اینترکنتیننتال) به‌عنوان محل تجمع مستشاران آمریکایی را در سال ۱۳۵۷ منفجر کرد و البته نه در سال ۱۳۴۷!

و از همه اینها گذشته چه نیازی به بافتن این دروغ‌ها وجود دارد، درحالی‌که فرازونشیب‌های انقلاب، آن‌قدر دراماتیک و سینمایی بوده که احتیاجی به این حجم خیال‌پردازی نیست.

فیلمنامه‌نویس جوان هیولا را بکش (۱۹۶۸) در آن جلسه خیلی با احساسات گفت: برای درام باید صحنه‌های جذاب خلق کرد، وگرنه آن‌گونه که می‌گویید (منظورش حرف‌های بنده بود) فیلم جذابی خلق نمی‌شود و تاکید داشت که این موضوع در تاریخ سینما هم بسیار اتفاق افتاده.

> امسال بیش از همیشه، شاهد حضور اسرائیلی‌ها و یهودیان صهیونیست در جشنواره‌های سینمایی بودیم تا چهره سیاه‌شان را سفید کنند

مبارزات مردمی علیه اسرائیل در دوران ستمشاهی

تا سخن از تاریخ سینما به میان آورد، برایش فیلم‌های واقع‌گرایانه جذاب را ردیف کردم مانند لینکلن، سلما، تام ادیسون جوان، طولانی‌ترین روز و ... و توضیح دادم که اتفاقا حضور تیم اسرائیل در ایران، باعث حوادث بسیار جالب و دراماتیکی شد.

مثلا این‌که گروه عزت شاهی، شهید لاجوردی و ... در تمام طول آن بازی‌ها، شروع به پخش شعار و تراکت و اعلامیه علیه اسرائیل در میان تماشاگران ورزشگاه امجدیه کردند تا روز بازی ایران و اسرائیل که با برد ایران، تظاهرات بزرگی در خیابان‌ها به راه افتاد که در تمام طول خیابان روزولت (شهید مفتح امروز) تا شاهرضا (خیابان انقلاب اسلامی) و میدان فردوسی و تا سر خیابان ویلا (استاد نجات‌اللهی) ادامه یافت و درنهایت به تخریب دفتر هواپیمایی اسرائیل (ال عال) انجامید و از همین روی آن گروه در اسناد ساواک به گروه «ال عال» معروف شدند.

برایش از مبارزات مردمی در آن سال‌ها علیه اسرائیل گفتم مثل تحریم کالاهای اسرائیلی و تجمعات در مساجد و مراسم مذهبی برای افشای صهیونیست‌ها و افتتاح حساب توسط استاد مطهری و علامه‌طباطبایی در جهت کمک به فلسطینی‌ها و فتوای امام برای کمک مالی از سهم امام به مردم فلسطین و ....

به‌هرحال او قانع نشد و علی‌رغم تعهدی که دادند، بیشتر اصلاحات پیشنهادی شورای پروانه ساخت را در فیلم‌شان لحاظ نکردند. و طرفه آن‌که فیلم‌شان به گونه‌ای از آب درآمد که گویی مبارزه با اسرائیل سرانجامی ندارد و کلا همه چیز با شکست روبه‌رو می‌شود. در فیلم نه گروگانی گرفته شد، نه آن شخصیت اصلی آزاد گردید و نه عملیات موفقی طراحی شد، بلکه قهرمانان قصه هم در پایان از دست رفتند!

وفراتر از همه اینها نتوانستند جذابیتی به وجود آورند و نه حادثه و درامی شکل دهند. افراد حتی در سطح تیپ‌های نخ‌نما شده هم شکل نگرفتند، چنانچه با بازی‌ها باسمه‌ای و دیالوگ‌های آبکی سعی می‌کردند با دگنک هم که شده حرف‌شان را به تماشاگر القا کنند. ای‌کاش سازندگان فیلم «۱۹۶۸»، همین فیلم ۵ سپتامبر را می‌دیدند، ای‌کاش لااقل چند اثر از فیلم‌های واقع‌گرای تاریخی را تماشا می‌کردند تا ببینند چگونه درام پرتعلیق و پرکشش در یک استودیوی تلویزیونی و با گروهی خبرنگار و تکنیسین و مجری و سردبیر و ... خلق می‌شود.

یادداشت

کیکاوس زیاری | گروه فرهنگ و هنر

«غیرقابل تشخیص» به دنبال هویت اجتماعی

درام دلهره‌آور اجتماعی حیفا المنصور، فیلمساز اهل عربستان‌سعودی به نام «غیرقابل تشخیص» در کنار نمایش عمومی در سینماهای این کشور عربی، تماشاگران بین‌المللی خود را نیز پیدا می‌کند. منتقدان سینمایی در داخل و خارج از عربستان، المنصور را یکی از فیلمسازان پیشگام خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج‌فارس معرفی کرده‌اند. او که با درام اجتماعی «واجدا» در سال ۲۰۱۲ در سطح منطقه و جهان مطرح شد، این روزها مشغول انجام کارهای فنی و پایانی غیرقابل تشخیص است و از آن به‌عنوان یک درام دلهره‌آور معاصر عرب‌زبان نام می‌برد که با نگاهی به فرهنگ بومی کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس ساخته شده است. داستان فیلم با کشف یک جسد شروع می‌شود که در صحرا رها شده است. معلوم نیست این نوجوان چگونه کشته شده و جسدش در صحرا چه می‌کند. زمانی که هویت جسد شناسایی نمی‌شود و کسی برای تحویل‌گرفتن آن قدم پیش نمی‌گذارد، نیوله سفان که به‌تازگی از همسرش جدا شده درگیر این پرونده می‌شود. او به‌تازگی فرزندش را از دست داده و حالا می‌خواهد هویت دختر نوجوان درگذشته را پیدا کند. وسوسه دستیابی به واقعیت و کشف هویت جسد، نیوله را وارد دایره‌ای از اتفاقات غیرمنتظره و عجیب‌وغریب می‌کند. به‌تدریج او متوجه می‌شود برخی سنت‌های قبیله‌ای در دل یک جامعه سنتی، می‌تواند او را به سرمنشأ دلیل مرگ نوجوان برساند.

المنصور در رابطه با داستان و فضای آن چنین توضیح می‌دهد: «این داستان زندگی اهالی امروزی کشور را به تصویر می‌کشد که با تناقضات زیادی روبه‌رو و به دنبال عدالت در تمام زمینه‌ها هستند. حال‌وهوای دلهره‌آور می‌تواند تمثیلی از وضعیت آدم‌هایی باشد که در شرایط خاصی هستند و تعادل لازم در زندگی‌های‌شان وجود ندارد. به باور من، سینما باید بیان کننده درد و رنج‌ها و آرزوها و آمال مردمی باشد که به تماشای فیلم‌های سینمایی می‌نشینند. سعی‌ام این است داستان‌هایی انتخاب کنم که وضعیت بغرنج عموم مردم را به تصویر می‌کشد. برای غیرقابل تشخیص یک شرکت توزیع‌کننده بین‌المللی فیلم پیدا کرده‌ایم و این، به ما امکان آن‌را می‌دهد که داستان خود را با تعداد بیشتری از تماشاگران و طیف‌های مختلف فرهنگی و زبانی تقسیم کنیم.»

منتقدان سینمایی اهمیت کارهای المنصور را در این می‌دانند که او چندین سال قبل از آن‌که مسئولان رسمی عربستان سعودی فضا را برای فعالیت‌های سینمایی باز کنند، کار فیلمسازی را آغاز کرد و تلاش بسیار زیادی به خرج داد تا راه را برای فعالیت‌های فیلمسازی در این کشور سنت‌گرا هموار و باز کند. واجدا سال ۲۰۱۲ شوری در دل جامعه هنردوست عربستان به‌پا کرد. همان زمان داستان فیلم مورد استقبال قشر فرهنگی کشور قرار گرفت. این داستان درباره دختر نوجوانی است که با وجود محدودیت‌های رسمی برای دوچرخه‌سواری، تصمیم می‌گیرد یک دوچرخه برای خود تهیه کند.

تولید

کمدی جدید عطاران

فیلم سینمایی «خانم‌والده» به کارگردانی سهیل موفق و تهیه‌کنندگی سیدابراهیم عامریان در حال حاضر در مراحل فیلمبرداری قرار دارد. این فیلم که در ژانر کمدی ساخته می‌شود، به داستان دو برادر می‌پردازد که به‌دلیل مشکلات مالی و بدهی‌های خود، به ارثی می‌رسند و تصمیم می‌گیرند با آن قرض‌های‌شان را تسویه کنند. بازیگران اصلی این فیلم شامل رضا عطاران، غلامرضا نیکخواه، شبنم قربانی و عباس جمشیدی‌فر هستند. این ترکیب بازیگران، به‌ویژه حضور رضا عطاران، یکی از محبوب‌ترین کمدین‌های ایران، نوید بخش یک اثر کمدی جذاب است. خانم‌والده، همچنین به‌عنوان تازه‌ترین همکاری رضا عطاران با عباس جمشیدی‌فر پس از فیلم «صددام» شناخته می‌شود که در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر به نمایش درآمد. سهیل موفق، کارگردان این اثر، پیش از این تجربه‌های موفقی در ساخت فیلم‌های کمدی برای کودکان و نوجوانان داشته است و خانم‌والده نخستین تجربه او در حوزه کمدی بزرگسالان محسوب می‌شود.

اکران

«مسیح پسر مریم» به نمایش خانگی رسید

مینی‌سریال «دختران کوچه غم» (مسیح پسر مریم) از دوشنبه، ۱۳ اسفندماه در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. مینی‌سریال سه قسمتی دختران کوچه غم به کارگردانی علی جعفرآبادی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی و زنده‌یاد جلیل شعبانی از دوشنبه، ۱۳ اسفند به‌صورت هفتگی منتشر خواهد شد. دختران کوچه غم، به نویسندگی علی جعفرآبادی و امیر ابیلی محصول سازمان هنری-رسانه‌ای اوج است و قصه‌ای از دهه ۵۰ شمسی را روایت می‌کند. امیر نوروزی، پانته‌آ پناهی‌ها، بهرام ابراهیمی، المیرا دهقانی، پاوان افسر، منصور نصیری، گلنوش قهرمانی، مهرداد ضیایی، حمید ابراهیمی، الهام شعبانی، مریم ماهور، نینل یعقوبی، محرم زینال‌زاده، مجتبی لاله‌زاری، یاسر ساغری و دریک تکدیان بازیگران این مینی‌سریال هستند. دختران کوچه غم، پیش از این با نام «مسیح پسر مریم» و در نسخه سینمایی تولید شده بود و پس از سه سال توقیف، به‌صورت سریال ارائه می‌شود.

انتصاب

مدیر روابط عمومی سینماشهر منصوب شد

حبیب ایل‌بیگی، مدیرعامل موسسه سینماشهر، محمد محمدی را به‌عنوان مدیر روابط عمومی این مؤسسه منصوب کرد. در حکم وی، بر تعهد و تخصص محمدی تأکید شده و وظایف او شامل مدیریت برند مؤسسه، بازطراحی محتوای وبسایت و شبکه‌های اجتماعی، تعامل با رسانه‌ها و مستندسازی فعالیت‌ها و پروژه‌هاست. محمد محمدی، فارغ‌التحصیل ادبیات نمایشی از دانشکده هنر و معماری و دانش‌آموخته انجمن سینمای جوانان ایران، دارای سوابق اجرایی متعددی است که شامل مدیریت روابط عمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح، مجموعه تئاترشهر و جشنواره‌های مختلف هنری می‌شود. ایل‌بیگی در پایان حکم خود، برای محمدی آرزوی موفقیت در همکاری با دیگر مدیران مؤسسه و هماهنگی با سازمان سینمایی کرده است. این انتصاب نشان‌دهنده توجه به توانمندی‌های محمدی در حوزه روابط عمومی و نیاز به تقویت ارتباطات مؤسسه سینماشهر با جامعه سینمایی و مخاطبان است.

جشنواره

حضور ادامه‌دار «تنها کنار هم» در جهان

فیلم کوتاه «تنها کنار هم» به نویسندگی و کارگردانی امید میرزایی و تهیه‌کنندگی سعید خانی و انجمن سینمای جوانان رفسنجان، به بیست‌وهشتمین «جشنواره زوم» لهستان و بیستمین دوره «جشنواره لابور» ترکیه راه یافت. جشنواره زوم، یکی از بزرگ‌ترین جشنواره‌های سینمای مستقل در لهستان است که از ۳ تا ۹ مارس ۲۰۲۵ برگزار می‌شود. جشنواره لابور نیز که در سال ۲۰۰۶ تأسیس شده، به نمایش فیلم‌ها و برگزاری کارگاه‌های فرهنگی پرداخته و از ۲ تا ۱۱ می ۲۰۲۵ برگزار خواهد شد. تنها کنار هم پیش از این موفق به کسب جوایز متعددی ازجمله جایزه افتخاری چهل‌وهفتمین دوره جشنواره لوکاس آلمان و بهترین تدوین در جشنواره فیلم کوتاه تهران شده است. این پویانمایی پنج دقیقه‌ای که با تکنیک کات‌اوت ساخته شده، داستان پسربچه‌ای را روایت می‌کند که در نیمه شبی زمستانی در یک اتوبوس تنها سفر می‌کند و توجه پلیس و مسافران به او جلب می‌شود.